

نقد مستندات قرآنی نظریه تحریف کتاب مقدس

محمد بهرامی

مقدمه

در اصطلاح کلیسای مسیحی، کتابها و نوشته هایی که مقدس خوانده می شوند کتاب مقدس نام دارند. ۱

کتاب مقدس ۱۱۸۹ باب و در حدود ۳۱۰۰۰ آیه دارد. ۲

اندیشمندان مسیحی، کتاب مقدس را به دو بخش تقسیم می کنند:

۱. عهد قدیم Ancin Tament

۲. عهد جدید Mowveav Testament

نوشته های عهد قدیم به سه دسته تقسیم می شوند:

الف. تورات. این کتاب از پنج نوشته زیر شکل گرفته است:

۱. سفر آفرینش ۲. سفر خروج ۳. سفر لاویان ۴. سفر اعداد ۵. سفر تثنیه.

ب. کتوبیم، یا آثار نویسندگان یهودی در زمینه تاریخ تحولات اجتماعی و عقیدتی یهودیان پس از ارتحال موسی(ع).

ج. نبوئیم، یا مجموعه کتابهای پیامبران بنی اسرائیل.

عهد جدید از دو قسمت تشکیل شده است:

الف) اسفار تاریخی شامل زندگی حضرت عیسی (ع) و حواریون، انجیل های متی، مرقس، لوقا، یوحنا و ...

ب. نوشته هایی درباره اصول عقاید و اندیشه های مسیحیت.

به باور مسلمانان، انجیل کتاب آسمانی حضرت عیسی(ع) و تورات کتاب آسمانی حضرت موسی وحی الهی است. در قرآن کریم بارها از این دو کتاب یاد شده است:

«و قفینا علی آثارهم بعیسی بن مریم مصدقاً لما بین یدیه من التوراء و هدی و موعظهً للمتقین»

مائده/۴۶

«و أنزل التوراء و الإنجیل من قبل هدی للناس» آل عمران/۳-۴

«و قفینا بعیسی بن مریم و آتیناه الإنجیل» حدید/۲۷

«و ما أنزلت التوراء و الإنجیل إلا من بعده» آل عمران/۶۵

در نگاه بسیاری از تفسیرگران و قرآن پژوهان، تورات و انجیل دستخوش تحریف گشته و آنچه امروزه به عنوان تورات و انجیل در کتاب مقدس قرار دارد تحریف یافته است. این گروه برای اثبات باور خویش به آیاتی چند استدلال می کنند؛ مهم ترین مستندات ایشان عبارتند از:

مستند نخست

«یا ایها الرسول لایحزنک الذین یسارعون فی الکفر من الذین قالوا آمنا بأفواههم و لم تؤمن قلوبهم

و من الذین هادوا سماعون للکذب سماعون لقوم آخرین لم یأتوک یحرفون الکلم من بعد مواضعه

یقولون إن أوتیتهم هذا فخذوه و إن لم تؤتوه فاحذروا»

ای فرستاده(خدا)! آنها که در مسیر کفر شتاب می کنند و با زبان می گویند ایمان آوردیم و دل‌های آنها ایمان نیاورده، تو را اندوهگین نسازند! و همچنین گروهی از یهودیان که خوب به سخنان تو گوش می دهند، تا دستاویزی برای تکذیب تو بیابند. آنها جاسوسان گروه دیگری هستند که خودشان نزد تو نیامده اند، آنها سخنان را از مفهوم اصلی اش تحریف می کنند و به یکدیگر می گویند: اگر اینکه ما می خواهیم به شما داده شد (و محمد طبق خواسته شما داوری کرد) بپذیرید و گرنه از او دوری کنید!

به باور بسیاری از تفسیرنویسان جمله «يَحْرَفُونَ الْكَلِمَ مِنْ بَعْدِ مَوَاضِعِهِ» ظهور در تحریف تورات از سوی برخی از یهودیان دارد. آنها رجم زانی و زانیه را که از احکام تورات است به ۴۰ شلاق تغییر دادند. ۳

نقد و بررسی

تحریف در این آیه شریفه احتمالات متفاوتی را بر می تابد:

احتمال نخست: مراد از تحریف، تحریف رجم به جلد است. ۴

احتمال دوم: مقصود تحریف سخنان پیامبر از سوی یهودیان است. ۵

احتمال سوم: منظور پنهان داشتن صفات پیامبر است.

احتمال چهارم: مراد تحریف قصاص به دیه است. ۶

احتمال پنجم: تحریف در این آیه، تحریف حکم «کلم» است نه خود «کلم». ۷

احتمال ششم: جمله «يَحْرَفُونَ الْكَلِمَ»، دلالت بر تحریف معنوی و «من بعد مواضعه» به تحریف لفظی اشاره دارد. ۸

از میان احتمالات یادشده احتمال دوم با سیاق جمله «يَحْرَفُونَ الْكَلِمَ مِنْ بَعْدِ مَوَاضِعِهِ» سازگاری بیشتری دارد؛ چه اینکه سیاق آیه درباره یهودیان جاسوسی است که برای تکذیب پیامبر به سخنان وی به دقت گوش می دهند و سپس سخنان آن حضرت را تحریف می کنند.

دیگر احتمالات نیز هر چند از سوی برخی از مفسران طرح شده و یا با عنوان «قیل» آمده است، اما این احتمالات نیز بر فرض درستی ناظر به تحریف معنوی تورات است نه تحریف لفظی، چه اینکه در جلسه پرسش و پاسخی که میان پیامبر(ص) و ابن‌صوری دانشمند برجسته یهود رخ داد، ابن‌صوری وجود رجم زناکار محصن را در تورات پذیرفت، ۹ این پذیرش نشان می دهد برخی از یهودیان، آیات تورات را تحریف لفظی نکرده اند، بلکه با نوعی تأویل از پذیرش رجم محصن سرباز زده و شلاق زدن زناکار را توصیه و عمل می کردند.

افزون بر این، نسبت دادن تحریف به گروهی از یهودیان نشان می دهد تحریف لفظی انجام نشده است و برخی از یهودیان با پذیرش حکم تورات، زناکار محصن را رجم می کردند. چنان که در حدیثی که در منابع تفسیری اهل سنت آمده است عبدالله بن سلام در برابر گروهی از یهود که رجم زناکار را منکر بودند به تورات استناد کرد و با آوردن آیه رجم، وجود رجم زناکار محصن را در تورات اثبات

مستند دوم

«أفتطمعون أن يؤمنوا لكم و قد كان فريق منهم يسمعون كلام الله ثم يحرفونه من بعد ما علقوه و هم يعلمون» بقره/۷۵

آیا انتظار دارید به آیین شما ایمان آورند، با اینکه عده ای از آنان، سخنان خدا را می شنیدند و پس از فهمیدن، آن را تحریف می کردند، در حالی که علم و اطلاع داشتند.
در نگاه برخی از مفسران، جمله «ثم يحرفونه من بعد ما علقوه» نشان از تحریف تورات دارد. ۱۱.

نقد و بررسی

هر چند آیه یادشده احتمالات گوناگونی را برمی تابد، اما چند احتمالی که با اسناد تاریخی و اسباب نزول و ظاهر آیه سازگارتر است بدین قرار است.
الف. آنچه تحریف شده تورات است و تحریف گران، یهودیان عصر پیامبرند، و تحریف به گونه لفظی مراد است. ۱۲.

ب. تحریف شده تورات، و تحریف گران، یهودیان عصر پیامبر، و تحریف به شکل معنوی است.
ج. محرّف، کلام خدا با موسی در طور، تحریف گران، هفتاد برگزیده موسی، و تحریف، لفظی است. ۱۳.

د. محرّف، کلام خدا با موسی در طور، تحریف گران، هفتاد برگزیده موسی، و تحریف معنوی است. ۱۴.

از میان احتمالات یاد شده، تنها احتمال نخست، تحریف اصطلاحی را نتیجه می دهد؛ در صورتی که این احتمال و احتمال دوم، افزون بر ناسازگاری با نشانه ها و شواهدی که در تفاسیر آمده است با واژگان آیه نیز ناهمخوان است، چرا که آمدن واژه «یسمعون» نشان می دهد آنچه تحریف شده تورات مکتوب نبوده است.

مستند سوم

«فویل للذين يكتبون الكتاب بأيديهم ثم يقولون هذا من عندالله ليشتروا به ثمناً قليلاً فویل لهم ممّا كتبت أيديهم و ویل لهم ممّا یکسون» بقره/۷۹

پس وای بر آنها که نوشته ای با دست خود می نویسند، سپس می گویند: «این از طرف خداست» تا آن را به بهای کمی بفروشند. پس وای بر آنچه با دست خود نوشتند و وای بر آنان از آنچه از این راه به دست می آورند.

گروهی از تفسیرنویسان با بهره وری از آیه یادشده تحریف تورات را نتیجه گرفته اند، در نگاه ایشان جمله «یكتبون الكتاب بأيديهم ثم يقولون هذا من عندالله» حکایت از تحریف تورات از سوی یهودیان دارد. ۱۵.

نقد و بررسی

در آیه یاد شده احتمالات گوناگونی در خور طرح است:

۱. آیه دلالت بر تحریف تورات دارد. گروهی از یهودیان با تحریف صفات و ویژگیهایی که برای پیامبر در تورات آمده است یا با تحریف احکام تورات، آن را دچار تحریف ساخته اند؛ این احتمال دو شکل از تحریف را در خود دارد: تحریف لفظی و تحریف معنوی.

۲. تفسیرگران و تأویل نویسان تورات با تفسیر خودخواهانه خویش از انتقال پیامهای تورات سرباز می زنند و خواسته ها و دل بستگی های شخصی را به عنوان تفسیر تورات عرضه می کنند.

۳. گروهی از نویسندگان یهود، دست نوشته های خود را برگرفته از تورات معرفی می کنند و تصور مردم نیز از این کتابها که در شمار کتابهای دینی قرار می گیرد آن است که بر اساس تورات شکل یافته است.

۴. مراد یکی از کاتبان پیامبر است که آنچه را پیامبر املا می کرد تغییر می داد.

بسیاری از تفسیرگران قرآن، از میان احتمالات یاد شده تنها احتمال سوم را می پذیرند و آن را سازگار با واژگان و ساختار آیه معرفی می کنند. برای نمونه فخر رازی می گوید:

«قلم زدن در راستای گمراه ساختن دیگران ناپسندنا به شمار می آید.» ۱۶

رشید رضا نیز می نویسد:

«وای و نابودی بزرگ بر دانشمندانی که کتاب می نویسند و نظریات و باورهای خویش را در کتاب می آورند، مردم را به پذیرش آن کتب فرا می خوانند، آثار خویش را سخن خدا معرفی می کنند و مردم را بی نیاز از کتاب خدا می خوانند...» ۱۷

مستند چهارم

«من الذین هادوا یحرفون الکلم عن مواضعه و یقولون سمعنا و عصینا و اسمع غیر مسمع و راعنا لیا بألسنتهم و طعنا فی الدین» نساء/ ۴۶

بعضی از یهود، سخنان را از جای خود، تحریف می کنند و (به جای اینکه بگویند: شنیدیم و اطاعت کردیم) می گویند: شنیدیم و مخالفت کردیم! و (نیز می گویند: بشنو! که هرگز نشنوی!) (از روی تمسخر می گویند: راعنا [= ما را تحمیق کن] تا با زبان خود حقایق را بگردانند و در آیین خدا طعنه زنند.

نقد و بررسی

برای این آیه شریفه تفاسیر متفاوتی عرضه شده است:

۱. برخی جمله «یحرفون الکلم عن مواضعه» را نشانگر تحریف لفظی تورات می دانند. ۱۸

۲. گروهی از آیه شریفه تحریف معنوی را نتیجه گرفته اند؛ به باور ایشان تأویلات نادرست آیات و حمل آیات بر غیر معنای حقیقی تحریف است و برخی از یهودیان تحریف گر آیات تورات هستند. ۱۹

۳. مراد از «کلم» سخنان پیامبر است؛ عده ای با شنیدن فرموده های آن حضرت به تحریف آن می پردازند.

۴. بر این احتمالات می توان احتمال دیگری افزود و آن اینکه جمله «و یقولون سمعنا و عصینا» ۲۰ همان تحریفی است که برخی از یهود انجام دادند. ۲۱

از احتمالات یاد شده تنها احتمال نخست دلالت بر تحریف تورات به کاستی یا افزونی دارد و از این میان احتمال چهارم با ظاهر آیه سازگاری بیشتری دارد.

مستند پنجم

«فبما نقضهم ميثاقهم لعنّاهم و جعلنا قلوبهم قاسية يحرفون الكلم عن مواضعه و نسوا حظاً مما ذكروا به و لاتزال تطّلع على خائنة منهم إلا قليلاً منهم فاعف عنهم و اصفح إنّ الله يحبّ المحسنين»
مائده/۱۳

ولی به خاطر پیمان شکنی، آنها را از رحمت خویش دور ساختیم؛ و دل‌های آنان را سخت و سنگین نمودیم؛ سخنان خدا را از موردش تحریف می‌کنند. و بخشی از آنچه را به آنها گوشزد شده بود فراموش کردند و هر زمان خیانتی (تازه) از آنها آگاه می‌شود، مگر عده کمی از آنان، ولی از آنها درگذر و صرف نظر کن، که خداوند نیکوکاران را دوست می‌دارد!

این آیه نیز بر تحریف تورات دلالت ندارد، چه اینکه از آیه یادشده برداشتهای گوناگونی شده است:

۱. برخی میثاق را ماجرای غدیر و تحریف را گرفتن حق حضرت علی(ع) می‌دانند. ۲۲

۲. گروهی از آیه تحریف لفظی تورات را نتیجه می‌گیرند. ۲۳

ابن عباس بر این باور بود که آیه به تحریف حدود تورات اشاره دارد. مقاتل نیز تحریف لفظی صفات

پیامبر را نتیجه گرفته است. ۲۴

۳. عده ای از تفسیرگران، تحریف معنوی را مدلول آیه می‌دانند؛ برای نمونه زجاج، تحریف در آیه

شریفه را تفسیر تورات می‌خواند. ۲۵

از این قراءت‌های متفاوت، تنها برداشت دوم تحریف اصطلاحی را نتیجه می‌دهد و سایر برداشتها به تحریف تورات ارتباط ندارد و یا اگر ارتباط دارد به عنوان کاستی تورات شناخته نمی‌شود.

مستند ششم

«و إنّ منهم لفريقاً يلوون ألسنتهم بالكتاب لتحسبوه من الكتاب و ما هو من الكتاب و يقولون هو من عندالله و ما هو من عندالله و يقولون على الله الكذب و هم يعلمون»

آل عمران/۷۸

در میان آنها کسانی هستند که به هنگام تلاوت کتاب(خدا) زبان خود را چنان می‌گردانند که گمان می‌کنید آنچه را می‌خوانند از کتاب(خدا) است. در حالی که از کتاب(خدا) نیست (و با صراحت) می‌گویند: آن از طرف خداست، با اینکه از طرف خدا نیست، و به خدا دروغ می‌بندند در حالی که می‌دانند.

برخی از تفسیرگران از آیه فوق، تحریف را نتیجه گرفته اند.

نقد و بررسی

برداشت‌های گوناگونی می‌توان از آیه شریفه ارائه کرد؛ از جمله:

- آیه شریفه درباره دست نوشته های یهودیان است؛ آنان آثار خویش را به گونه ای قراءت می کنند که مخاطبان تصور می کنند آنچه را می خوانند از کتاب (خدا) است در حالی که از کتاب خدا نیست.

- آیه بیانگر تحریف لفظی تورات است. ۲۶

- آیه نشانگر تحریف معنوی تورات است؛ برخی از یهودیان برداشت های نادرست خویش را به عنوان تفسیر آیات برای مردم می خواندند و به گونه ای عمل می کردند که مخاطبان تصور می کردند سخنان ایشان برگرفته از تورات است. ۲۷

از میان احتمالات یادشده احتمال نخست با ظاهر آیه سازگاری بیشتری دارد و با آیه «فویل للذین یکتبون الکتاب بأیدیهم ثم یقولون هذا من عندالله» همخوان است.

مجموعه آیاتی که مستند نظریه تحریف تورات و انجیل قرار گرفته است، تحریف را نتیجه نمی دهد، و حداکثر دلالت بر تحریف معنوی دارد، و تحریف معنوی بر خلاف تحریف لفظی از کاستی ها و نقایص تورات و انجیل به شمار نمی آید.

افزون بر این اگر آیات یادشده دلالت بر تحریف اصطلاحی داشته باشد، این تحریف، یا تحریف کلی تورات و انجیل است، یا تحریف جزئی؛ چنان که برخی تفسیر گران باور دارند. تحریف کلی با آیات زیر ناسازگار می نماید؛ چه اینکه این آیات، که تورات و انجیل را هدایتگر معرفی می کند، اهل کتاب را بر عمل به فرمانها و احکام تورات و انجیل فرامی خواند، پیامر و قرآن را تصدیق گر تورات و انجیل می خواند، انجیل را مصدق تورات می نامد و از مسلمانان ایمان به تمامی کتابهای آسمانی را خواستار است، نشان می دهد که تورات و انجیل دچار تحریف کلی نشده اند.

«قل فأتوا بالتوراة فاتلوها إن کنتم صادقین» آل عمران/۹۳

اگر راست می گویند تورات را بیاورید و بخوانید.

«و کیف یحکمونک و عندهم التوراة فیها حکم الله» مائده/۴۳

چگونه تو را به داوری می طلبند؟! در حالی که تورات نزد ایشان است و در آن حکم خداست.

«إنا أنزلنا التوراة فیها هدی و نور یحکم بها النبیون الذین أسلموا للذین هادوا و الربانیون و الأحبار

بما استحفظوا من کتاب الله و کانوا علیه شهداء» مائده/۴۴

ما تورات را نازل کردیم در حالی که در آن هدایت و نور بود و پیامبران که در برابر فرمان خدا تسلیم بودند با آن برای یهود حکم می کردند و علمای ربانی و دانشمندان به این کتاب که به آنها سپرده شده و بر آن گواه بودند داوری می نمودند.

«و ققینا علی آثارهم بعیسی بن مریم مصدقاً لما بین یدیہ من التوراة و آتیناه الإنجیل فیہ هدی و

نور و مصدقاً لما بین یدیہ من التوراة و هدی و موعظهً للمتقین» مائده/۴۶

و به دنبال آنها عیسی بن مریم را فرستادیم در حالی که کتاب تورات را که پیش از او فرستاده شده بود تصدیق داشت؛ و انجیل را به او دادیم که در آن هدایت و نور بود، و تورات را که قبل از آن بود تصدیق می کرد، و هدایت و موعظه ای برای پرهیزگاران بود.

«و لو أنهم أقاموا التوراة و الإنجیل و ما أنزل إلیهم من ربهم لأکلوا من فوقهم و من تحت أرجلهم

منهم أمه مقتصده و کثیر منهم ساء ما یعملون» مائده/۶۶

و اگر آنان تورات و انجیل و آنچه را از سوی پروردگارشان بر آنها نازل شده بر پا دارند از آسمان و زمین روزی خواهند خورد، جمعی از آنها معتدل و میانه رو هستند، ولی بیشترشان اعمال بدی انجام می دهند.

بنابراین اگر تفسیر گران و قرآن پژوهان تحریف کلی تورات و انجیل را باور دارند و در مستندسازی باور خویش از آیات سود می جویند ناگزیر از زدودن ناسازگاری بین مستندات قرآنی خویش با آیات یادشده هستند، ایشان یا ناگزیر از چشم پوشی از باور خویش هستند و باید از مستندات قرآنی خود نتیجه دیگری بگیرند و یا باید این آیات را به گونه ای فهم و تفسیر کنند که با تحریف کلی ناسازگار ننمایند.

تحریف جزئی تورات و انجیل نیز خالی از اشکال نیست و تفسیرگرانی که این نظریه را باور دارند - و از آیاتی سود می برند - در برابر پرسشهای زیر قرار می گیرند:

یک: اگر آیاتی از تورات و انجیل تحریف شده پس فراهوان اهل کتاب به اطاعت پذیری از آیات تورات و انجیل چگونه است؟ چه اینکه بر اساس نظریه تحریف جزئی هر آیه ای از آیات تورات و انجیل احتمال دارد از آیه های تحریف شده باشد، بنابراین چگونه بایستی میان مستندات قرآنی نظریه تحریف جزئی با برخی از آیات قرآن که اهل کتاب را به تسلیم و عمل به آیات تورات و انجیل فرا می خواند سازگاری ایجاد کرد.

دو: چگونه آیات قرآن، آیاتی از تورات و انجیل را تحریف شده می خواند، در صورتی که نقد تاریخی کتاب مقدس و تحلیل محتوایی آیات تورات و انجیل، بشری بودن این متون و تألیف آنها ده ها یا صدها سال پس از وفات موسی(ع) و عروج عیسی(ع) را نتیجه می دهد؟

بر اساس یافته های جدید اندیشمندان مسیحی و یهودی، تمامی تورات و انجیل تحریف یافته است؛ اما نظریه تحریف جزئی تنها حکایت از تحریف آیاتی از تورات و انجیل دارد.

بنابراین، نظریه تحریف جزئی افزون بر ناسازگاری با تعدادی از آیات قرآن، با یافته های جدید دانشمندان غربی نیز ناسازگار می نماید. در نتیجه طرفداران تحریف جزئی تورات و انجیل ناگزیر از پذیرش یکی از گزینه های زیر هستند:

الف. آیات تحریف، تحریف کلی تورات و انجیل را نتیجه می دهد؛ نه تحریف آیاتی از آنها را.

ب. آیات تحریف، نشانگر تحریف معنوی تورات و انجیل است.

ج. آیات قرآن نه نشان از تحریف کلی آیات دارد و نه حکایت از تحریف جزئی.

د. مراد از تورات و انجیل در آیات قرآن همان اسفار پنج گانه و اناجیل اربعه است، و ویژگیها و صفاتی که برای تورات و انجیل آمده است ناظر به همان دست نوشته های عزیر و حواریون عیسی(ع) و یا دیگران است، نه آن که بر موسی و عیسی(ع) کتابهایی فرود آمده باشد به نام تورات و انجیل.

ه. در عصر پیامبر، نسخه هایی از تورات و انجیل اصلی وجود داشت، اما بسیاری از نسخه های آن زمان تحریف یافته بود.

و. آنچه اندیشمندان غربی ادعا می کنند نادرست است و اسفار پنج گانه و اناجیل اربعه وحی الهی هستند.

١. ولف، كرى، مفهوم انجيل ها، ترجمه محمدقاضى، ٩.
٢. أمريكايى، هاكس، قاموس كتاب مقدس، ٧١٨.
٣. طوسى، محمدبن حسن، التبيان فى تفسير القرآن، ٥٢٣/٣؛ حسيني شيرازى، محمد، تقريب القرآن الى الأدهان، ٨٦/٦؛ فخررازي، محمود بن عمر، التفسير الكبير، ٢٣٢/١١-٢٣٣؛ ابن كثير، تفسير القرآن العظيم، ٦٠/٢؛ قرطبي، محمود بن عمر، الجامع لأحكام القرآن، ١٨١/٦؛ طبري، محمد بن جرير، جامع البيان فى تأويل آى القرآن، ٣٢١/٦.
٤. طباطبايى، محمدحسين، الميزان، ٣٦٩/٥.
٥. طوسى، محمدبن حسن، التبيان، ٥٣٣/٣.
٦. ابن كثير، تفسير القرآن العظيم، ٦٠/٢.
٧. طبري، محمد بن جرير، جامع البيان فى تأويل آى القرآن، ٣٢١/٦.
٨. فخر رازى، محمد بن عمر، التفسير الكبير، ١١٨/١٠، مكارم شيرازى، ناصر، تفسير نمونه، ٣٨٠/٤.
٩. طبرسى، فضل بن حسن، مجمع البيان، ١٩٣/٢.
١٠. ابن كثير، تفسير ابن كثير، ٦٠/٢، فضل الله، محمد حسين، تفسير من وحى القرآن، ١١١/٨.
١١. فخررازي، محمد بن عمر، التفسير الكبير، ١٣٤/٣، رازى، ابوالفتوح، روض الجنان و روح الجنان، ٢٠/٢.
١٢. طبرسى، فضل بن حسن، مجمع البيان، ١٤١/١؛ كاشانى، فتح الله، منهج الصادقين، ٢٣٦/١؛ لاهيجى، تفسير لاهيجى، ٧٠/١؛ قمى، على بن ابراهيم، تفسير قمى، ٥٠/١.
١٣. رازى، ابوالفتوح، روض الجنان و روح الجنان، ٢٠/٢؛ جرجانى، حسين، تفسير گازر، ١٠٨/١؛ واعظ كاشفى، كمال الدين، مواهب عليه، ٢١/١؛ كاشانى، فتح الله، منهج الصادقين، ٢٣٦/١؛ مكارم شيرازى، ناصر، تفسير نمونه، ٢١٨/١؛ طوسى، محمدبن حسن، التبيان، ٣١٣/١.
١٤. رشيد رضا، محمد، المنار، ٣٥٥/١.
١٥. طبرسى، فضل بن حسن، مجمع البيان، ٢٧٨/١؛ واحدى، اسباب النزول، ١٥؛ طبري، محمد بن جرير، جامع البيان فى تأويل آى القرآن، ٥٣٥/١.
١٦. فخررازي، محمود بن عمر، التفسير الكبير، ١٤٠/٣-١٤١.
١٧. رشيد رضا، محمد، المنار، ٣٦١/١.
١٨. طبرسى، فضل بن حسن، مجمع البيان، ٢٧٠/١؛ خويى، ابوالقاسم، البيان، ١٩٧، الامام يحيى بن الحسين، الأحكام، ٤١٧/٢؛ مشهدى، ميرزا محمد، كنز الدقائق، ٤٦٨/٢.
١٩. طوسى، محمدحسن، التبيان، ٢١٣/١؛ طبري، محمد بن جرير، جامع البيان فى تأويل آى القرآن، ١٦٥/٥؛ طبرسى، فضل بن حسن، مجمع البيان، ٢٧٠/١ و ٩٨/٣؛ ابن الجوزى، زاد المسير، ١٣٣/٢.

٢٠. ابن الجوزى، زاد المسير، ١٣٣/٢.
٢١. طباطبايى، محمدحسين، الميزان، ٣٦٤/٤.
٢٢. قمى، على بن ابراهيم، تفسير قمى، ١٦٣/١.
٢٣. طبرى، محمد بن جرير، جامع البيان فى تأويل آى القرآن، ٢١٢/٦؛ شوكانى، فتح القدير، ٢٢/٢.
٢٤. قرطبى، محمود بن عمر، الجامع لأحكام القرآن، ١١٦/٦.
٢٥. ابن الجوزى، زاد المسير، ٢٥٢/٢؛ قرطبى، الجامع لأحكام القرآن، ١١٥/٦.
٢٦. فخررازى، محمود بن عمر، التفسير الكبير، ١١٤/٨.
٢٧. رشيد رضا، محمد، المنار، ٣٤٤/٣.

